



واپسین کارزار

نشریه فهم - شماره ۱۸۵ - سال نهم - ۱۳۹۹





انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

نشریه قدم - شماره ۱۸۵ - سال نهم - ۱۳۹۹

مدیر مسئول:

امیرحسین ناصحی

سر دبیر:

کیما محمدزاده

طراحی جلد و صفحه آرایی:

فرشته اکبری

هیئت نویسندگان:

عدلیه:

محمد رضا دادگستر

امور داخله:

علیرضا مقتدایی

مریم حاجی محمدی

محمد صدرا افشاری

ساغر خزانی هروی

علی میرزاخانی

امیرحسین ناصحی

محمد امین ترابی

فاطمه تاجیک

کیما محمدزاده

فرنگ نامه:

● لازم به ذکر است با عنایت به درج مطالب تحقیقی - پژوهشی، حقوق کلیه مطالب مندرجه برای نشریه قدم محفوظ می باشد. همچنین یادآور می شود که نظرات و عقاید مندرج در این نشریه لزوماً مبین رأی و نظر مسئولان نشریه نمی باشد.

● برای همکاری با نشریه قدم و یا ارائه پیشنهادات و انتقادات، با آیدی زیر در پیام رسان تلگرام در ارتباط باشید:

@ghadam_ut

 ghadr_motlagh

 ghadr__motlagh

فهرست



۴	سخن سردبیر
۶	پاس کاران سیاستگذاری و توپی به نام جمهور!
۹	نیامد نیوز
۱۲	بوی پول! تفریح یا رویای ثروت
۱۵	واپسین کارزار
۱۸	گربه رقصانندن مسئولان خوزستان
۲۰	لایحه بودجه و ایرادات آن
۲۲	سرباز بابلی
۲۵	سودای امپراطوری
۲۸	ترکیه یا یونان، در نهایت اتحادیه اروپا چه تصمیمی می گیرد؟
۳۰	خداوند ایالات متحده را حفظ کند

به نام خدا

به هفتمین قدم رسیدیم. این قدم با طولانی ترین شب سال، شب یلدا همراه است. در این شب دعایی نمی ماند جز سلامتی و بازگشایی دوباره دانشگاه‌ها. امید است سال آینده در حال و هوای روزهای زمستانی با نشریه‌های کاغذی در خدمتان باشیم.

تا به اینجا سعی داشتیم قدم به قدم با موضوعات و مسائل روز سیاست، اقتصاد و جامعه خود همراه باشیم و تلاش کنیم به عنوان یک دانشجوی دغدغه‌مند نگارش یادداشت‌های تحلیلی را هم گام با عمق مطالعه و تامل پیش ببریم. اثرگذاری و تحول بی شک از اهداف نویسندگان نشریه است. امید است با نظرات و پیشنهادات سازنده شما عزیزان و در صورت تمایل، همکاری در نگارش یادداشت، نشریه قدم را بیش از پیش به هدف خود نزدیک تر کنیم.

در این نشریه در بخش عدلیه به بحث بوروکراسی در دستگاه‌های اجرایی پرداخته شد. در بخش امور داخله درباره‌ی هر یک از موضوعات کانال تلگرامی آمدنیوز و موضوع سواد رسانه‌ای در ایران، بحث سایت‌های شرط‌بندی، ایرادات بودجه ۱۴۰۰، سیل در خوزستان، واکسن داخلی و خارجی کرونا و ماجرای سرباز بابلی یادداشتی نوشته شد. در بخش فرنگ‌نامه نیز به شعرخوانی اردوغان در آذربایجان، تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ترکیه و در نهایت به بررسی رویکرد جو بایدن در منطقه جنوب غربی آسیا توجه شد.

به مناسبت سالروز ولادت حضرت زینب کبری (س) این شماره از نشریه را تقدیم می‌کنیم به روح بزرگ و پر عظمت ایشان. بانویی که با روایت‌هایش از واقعه کربلا، تاریخ‌ساز شد.





پاس کاران سیاستگذار و پولی به نام جمهوری!

سید محمد رضا دادکستر

دانشجوی کارشناسی ارشد

دسیاستگذاری عمومی دانشگاه تهران

بروکراسی قاعده‌تاً آنگونه که وبر گفته بود، بایستی مظهر و تجلی عقلانیت دولت باشد. جایی که امور جاری کشور با دقت پردازش و تمشیت می‌شود؛ منافع عمومی را بر منافع هر فرد و گروهی ترجیح می‌دهد و با انباشته‌ای از خرد دیوان سالارانه که در طول نسل‌ها فعالیت کارگزارانش بدست آمده کمتر مسئله‌ای است که نتواند حلش کند. اما چه شده که این بخش از دولت که به حق می‌توان آن را پیشانی دولت دانست، در ایران بیشتر مظهر ناتوانی، ضعف و عدم پاسخگویی به موقع است؟ چرا بر خلاف کشورهای توسعه‌یافته، شهروندان ایرانی از مراجعه به اداره، سازمان، نهاد، موسسه یا هر شکل دیگر از دستگاه بروکراسی وحشت دارند و بر این باورند که باید مدت زمان زیادی را برای کارهای اداری خود اختصاص دهند؟

برای توضیح ریشه‌ها و علل پدیدآورنده این وضعیت می‌توان عوامل متعددی را فهرست کرد. اما یکی از مهم‌ترین این عوامل موازی‌کاری نهادهای دولتی و تعدد سیاستگذار برای تصمیم‌گیری، اجرا و داوری درباره‌ی سیاست‌هاست. به بیان روشن‌تر، برای انجام بیشتر کارهای اداری باید به چند اداره که هر کدام ذیل وزارتخانه یا نهاد دیگری قرار دارند



تلاش پایدار و همکارانه برای گذار به توسعه و انجام بهتر کارکردهای دولت، هر نهاد تلاش می‌کند تا در هر بزنگاهی نهاد دیگر را بی‌اعتبار کند و در نظر مردم ناکارآمد و غیراثربخش جلوه دهد. از این رو هرگاه جمهور مردم لب به شکایت می‌گشایند، تنها واکنش کارگزاران هر نهاد تایید انتقاد مردم و سپس جهت‌دهی آن به نهاد رقیب است. مثلاً هرگاه در سیاستگذاری آموزش عالی مشکلی به وجود بیاید چندان نمی‌توان با دقت ریشه آن مشکل در نهادهای دوگانه سیاستگذار (وزارت علوم و شورایی عالی انقلاب فرهنگی) ردیابی کرد. چون کارگزاران آن‌ها قائل به اهمیت بیشتر و دامنه‌ی اثرگذاری بالاتر نهاد مقابل هستند. در حوزه‌های مختلف صنعت، آموزش، فرهنگ، هنر، خدمات، کشاورزی، امنیت، محیط‌زیست، رفاه و... می‌توان از این نوع رقابت‌ها سراغ گرفت.

درحالی‌که هر دو تیم در حال گرم‌کردن خود برای پیروزی در بازی هستند، این جمهور است که چونان توپی سرگردان به دنبال منافع عمومی است. هدفی که ابتدا به ساکن علت موجه دولت بود؛ هرچند که بازی مهم‌تر از هر رویداد دیگر است...

مراجعه کنید. طی این مراجعات معمولاً اتفاق خاصی هم نمی‌افتد و تنها کد قانونی ایجادشده توسط قانونگذار به مرحله اجرا درمی‌آید. اما چرا قانون‌گذاران در طول زمان بر تعداد قوانین و مقررات این‌چنینی افزوده‌اند؟ آیا آن‌ها می‌خواستند جمهور مردم را رنج دهند یا اقتدار و بزرگی دولت را به او نشان دهند؟ به نظر می‌رسد که علت این نباشد. در واقع خود سیاستگذاران نیز در منطقی چرخشی به دستگاه دولت وارد یا از آن خارج می‌شوند. آن‌ها درکی از کار دیوان‌سالارانه ندارند و ماموریت خود را بهبود وضع موجود می‌دانند. از این رو توجهی به مسیر طی‌شده توسط قانون‌گذاران قبلی ندارند. برای این افراد گذشته سراسر حکایت از اشتباه و حماقت قانونگذاران دارد و آنان آمده‌اند که راه پیش‌رو را اصلاح کنند. دستکاری در قوانین بدون توجه به افزایش قوانین و مقررات قبلی انجام می‌شود. در واقع سندروم سندنویسی باعث شده تا پس از ایجاد و تصویب هر سند توسط نهاد قانونگذار نوعی جو رضایت در عوامل دخیل در این امر پدید آید. این حس رضایت به قدری قوی است که به پیامدهای این سند در اجرا هم بر سرعت و دقت دستگاه بروکراسی و هم بر ذی‌نفعان و مخاطبان سیاست توجهی نمی‌شود. آنچه مهم است صرفاً ایجاد و تقویت این حس رضایت است.

ماهیت جزیره‌ای دولت در ایران سبب شده است تا به جای انسجام و یکپارچگی دستگاه‌های دولتی، عمومی (شهرداری‌ها) و شبه‌دولتی (نهادهای انقلابی)، آن‌ها به یکدیگر به چشم رقبایی بنگرند که به دنبال کسب سهم بیشتری از کیک بودجه هستند و می‌خواهند بهترین شرایط را برای محیط حرفه‌ای خود، فارغ از آنچه بر سر دیگران می‌آید، فراهم کنند. در این حالت، به جای

امور داخله



نیاید نوز

علیرضا مقتدایی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

موسسه رند^۱، اندیشکده‌ای آمریکایی که از آبهستن جنگ جهانی دوم، سرانجام در ۱۹۴۸، با هدف سیاستگذاری و تعیین خط مشی سیاست جهانی و همچنین ارائه تحلیل هدفمند سیاسی و نظامی، زاده شد. در این موسسه، اندیشمندان و پژوهشگران زبده در عرصه‌های مختلفی چون سیاسی، نظامی، علوم ارتباطات و... حضور یافتند و در مورد مسائل گوناگون در سراسر جهان به ارائه تحلیل‌های راهبردی و کلان پرداختند. در سال ۲۰۰۱، این اندیشکده، در شمار انتشارات خود، کتابی را با عنوان «شبکه‌ها و جنگ‌های شبکه‌ای»^۲ منتشر نموده است. در یکی از بخش‌های این کتاب آمده است: «در جنگ‌های فردا برنده کسی نیست که بزرگترین بمب‌ها را دارد، کسی پیروز است که بهترین روایت را دارد.»

با شروع هزاره سوم میلادی و گسترش فضای سایبری، امکان ارسال پیام و محتوا از طریق اینترنت در سراسر جهان رواج یافت و طی دهه اخیر با رشد بیش از پیش علم، تکنولوژی و رسانه‌ها، پدیده‌ای نوظهور به نام شبکه‌های اجتماعی به وجود آمد و آرام آرام جای خود را میان تک تک انسان‌های این کره خاکی باز کرد. شبکه‌های اجتماعی ساده و تک بعدی، به پیام‌رسان‌هایی پیشرفته تبدیل شدند که توانایی داشتند تا در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین اطلاعات را از سمت فرستنده به مخاطب منتقل کنند.

یکی از وجوه و قابلیت‌های مهم این پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ارائه محتوای خبری ناب و دست اول بود بدون اینکه نیاز به طی فرایند قانونی (مانند آنچه تحت عنوان اخبار در رسانه‌های رسمی کشورها بیان می‌شود) باشد. با این اتفاق، دو مسئله حائز اهمیت می‌باشد.

۱ _ RAND Corporation

۲ _ networks and networks

الف) ذهن انسان به لحاظ روانشناختی وابسته به اولین‌ها است و همین قاعده در انتشار اخبار نیز صدق می‌کند. برای مثال اگر خبر پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا، ابتدا در رسانه a و سپس در رسانه b و بعد از آن در رسانه‌هایی مانند c و d... منتشر شد، مردم و مخاطبین، برای همیشه رسانه‌ای که اول از همه خبر را به دست آنها رسانده، یعنی به رسانه a توجه می‌کنند. پس مشروعیت رسانه‌ها وابسته به سرعت انتقال پیام آنها است. ضمناً هرچه خبر داغ‌تر و مهم‌تر باشد، مقبولیت آن رسانه نزد عموم بیشتر می‌شود.

ب) جنبه نظارتی بر محتواهای ارسالی در عمل یا برداشته شده یا بی‌اثر می‌شود و هر نوع خبری اعم از راست و دروغ و شایعه^۳ و اطلاعات نادرست^۴ و اطلاعات غلط^۵ در فضای مجازی منتشر شده و به مخاطب ارسال می‌شود. در ذیل همین نکته لازم به ذکر است که چگونگی روایت از یک رخداد و خبر نیز بسیار مهم است. با توجه به آنچه اندیشمندان حوزه ارتباطات بیان می‌کنند، اثرگذاری هرچه بیشتر یک پیام رسانه‌ای در اذهان مخاطبین، بستگی به نوع روایتگری رسانه‌ها از آن خبر نیز دارد، چیزی که از آن به عنوان «جنگ روایت‌ها»^۶ یاد می‌شود.

آنچه واضح است، انسان عصر کنونی، از قید و بندهای رسمی اعصار قبلی خارج شده و رویکرد آسان‌گیرانه‌ای نسبت به دریافت اخبار پیدا کرده است و هرچه یک خبر به صورت عوامانه و بی‌تکلف بیان شود، مورد اقبال تر است. از طرفی هرچه اخبار، خاص و جنجالی باشد، مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. این دلایل موجب شد تا طی چند سال اخیر، برخی رسانه‌ها و شبه رسانه‌ها در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، از فرصت استفاده کنند تا با ایجاد کانال خبری، به دنبال جذب مخاطب و یا پیشبرد اهداف (سیاسی، فرهنگی، نظامی و...) باشند.

۳ _ fake news

۴ _ Misinformation

۵ _ disinformation

۶ _ War of narratives

یکی از این کانال‌های خبری، «آمدنیوز» بود که توسط گروهی به مدیریت روح‌الله زم در خارج از کشور تاسیس شد. این کانال با شعار «آزادی، مبارزه، دموکراسی»، دست به انتشار محتوایی می‌زد که غالباً سیاسی و خاص بودند. گه گاهی هم به زعم خود اخباری محرمانه منتشر و افشا می‌کرد که در اکثر موارد جز شایعه و دیس اینفورمیشن نبودند. آمدنیوز در اعتراضات ۹۶ مانند بسیاری دیگر از رسانه‌ها نقش پررنگی داشت؛ خصوصاً در نحوه سازماندهی اعتراضات و انتشار اطلاعیه‌ها و...!

علت جذب بسیار زیاد مردم به این رسانه، همان سرعت انتشار اخبار و همچنین بیان اخبار به ظاهر خاص و ویژه‌ای بود که ذکر شد اما برای مقابله عاقلانه با چنین رسانه‌هایی، علی‌الظاهر دو کار اساسی می‌بایست از طرف نهاد دولت و حکومت برای مردم صورت می‌گرفت.

الف) تقویت پایگاه‌های خبری رسمی نهاد حاکمیت با رویکردی حق‌طلبانه و مردمی محور؛ به طوری که در درجه اول اخبار و اقدامات سیاسی به طور صادقانه به سمع و بصر مردم برسد و در درجه دوم، اعتماد عمومی از رسانه ملی کاهش نیابد یا سلب نشود.

ب) افزایش سواد رسانه‌ای عموم جامعه با رویکرد تفکر انتقادی^۷؛ به طوری که مردم به راحتی تحت تاثیر حجم کثیری از شایعات و فیک نیوزهایی که منتشر می‌شود، قرار نگیرند و سپر امن ذهنی و روانی برای عموم جامعه ایجاد شود. البته نگارنده معتقد است که با تشویق و جهت‌دهی مردم به سمت تفکر انتقادی، علاوه بر اینکه مردم در قبال اخبار و هجمه‌های رسانه‌ای خارجی در امان می‌مانند، اما در داخل کشور و در برخورد با رسانه‌های داخلی علی‌الخصوص رسانه ملی نیز با نگرش انتقادی به اخبار و داده‌های آن می‌نگرند و از این جهت، رسانه ملی راه عظیمی در پیش دارد و با رویکرد منفعلانه نمی‌تواند اعتماد عمومی را به خود جلب کند.

۷ _ Critical Thinking

به اعتقاد برخی صاحب نظران، مدیریت ناصحیح و اقداماتی مانند فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و یا محدود کردن اینترنت، در درازمدت تنها و تنها باعث بی‌اعتمادی ملت نسبت به نهاد دولت و حاکمیت می‌شود. عدم شفاف سازی حقیقی در مسائلی که ممکن است در اذهان عمومی تشویش و بی‌اعتمادی ایجاد کند نیز از دیگر مصادیق ضعف رسانه‌ای حاکمیت است. «آمدنیوز»، یک هشدار جدی برای کل کشور محسوب می‌شد. از طرفی نشان داد جامعه ایرانی چقدر در برابر پیام‌های رسانه‌ای خصوصا اخبار، منفعلانه برخورد می‌کنند و نبود جایگاه سواد رسانه‌ای در میان توده مردم به خوبی احساس شد. از طرفی دیگر هم نشان داد که یک کانال تلگرامی چگونه می‌تواند اقتدار حاکمیت یک کشور را به چالش بکشد و زمینه ساز یک برآشفتگی جدی و سهمگین شود.

«آمدنیوز» اما در مسیری طی می‌کرد که برخلاف شعار و اصول خود بود. آگاهی به معنای افشاگری در باطن شایعه، نیست. مبارزه، به معنای تشویق به اغتشاش و دعوت به جنگ مسلحانه نیست. دموکراسی هم به معنای حمایت از گروه‌های خاصی مانند سلطنت طلب نیست.

هرچه بود، اکنون روح الله زم، زیر خروارها خاک است و کانال او هم به تاریخ پیوسته است، اما آنچه هنوز زنگ هشدار برای جامعه ایرانی و حاکمیت است، ضعف رسانه‌ای مخصوصا در بحث پوشش دهی اخبار است. امید آنکه با افزایش سواد رسانه‌ای و مقوله تفکر انتقادی، آگاهی مردم افزایش یابد و رسانه‌های داخلی خصوصا رسانه ملی و صدا و سیما هم به سمت شفافیت حرکت کنند و حق طلبی را جایگزین مصلحت اندیشی‌های ضررآفرین کنند.

به شادکامی دشمن کسی سزاوار است که نشنود سخن دوستان نیک اندیش



بوی پول؛ تفریح یا رویای ثروت؟

مریم حاجی محمدی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

می‌دونستید سایت ما معتبرترین سایت شرط‌بندیه؟ با ثبت نام و فعالیت توی سایتمون می‌تونید درآمد روزانه داشته باشی؟ هنوز توی سایت من ثبت نام نکردی، بجنب و به جای بیکار گشتن توی اینترنت حداقل یه درآمدی با سایت شرط بندی من داشته باش. خیلیا ازم می‌پرسن این زندگی رو توی سن و سال کم چه جوری برای خودت ساختی؟ بذارید به شما هم بگم: (من روزانه با زمان گذاشتن روی سایت شرط‌بندی و شرکت توی پیش بینی‌ها و بازی‌های مختلف سایت برای خودم کسب درآمد می‌کنم. شما هم می‌تونید کافیه وارد لینکی بشید که توی صفحه‌ام گذاشتم اونجا ثبت نام کنید و فعالیت خودتونو شروع کنید، شما لایق داشتن یه زندگی خوب هستید!)

زیبا بود نه؟

شنیدن وعده‌های زیبا همیشه برای ما انسان‌ها جذاب و فریبنده است، حتی اگر قرار باشه این وعده‌ها پوچ و توخالی باشن؟ قطعاً نه، اینجاست که مسیر بازی عوض میشه هیچ آدم عاقلی با علم به پوچ بودن یک وعده به سمتش قدم برنمی‌دارد!

یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ به هر جامعه و روان افراد شناختن نقاط ضعف آنها است. این روزها بیش از هر زمان دیگری جوامع به قهرمان نیاز دارند، قهرمانانی که پایانی خوش برای داستان زندگی آن‌ها رقم بزنند. نیاز به شخصیت‌های رویین تن و اسطوره‌ای در میان هر جامعه‌ای انکار ناپذیر است اما سوالی که اینجا مطرح می‌شود شاید این باشد که این روزها با قدرت پیدا کردن فضاهایی مثل اینستاگرام و غیره، سلیقه‌ی باب طبع مردم به‌خصوص جوان‌ها چقدر تغییر کرده است. این ایام مردم بیشتر طرفدار و هواخواه کدام گروه و دسته‌ی فکری هستند؟!

یکی از مسائلی که این اواخر توجه زیادی به آن شده است فعالیت در سایت‌های شرط بندی و کازینوهای آنلاین است سایت‌هایی با سابقه‌ی چهار، پنج ساله در کشورهای مثل ایران، ارمنستان، ترکیه و حتی سابقه‌های طولانی‌تر در کشورهای اروپایی. افرادی با شعارهایی مثل «یک شبه راه صد ساله رو طی کن.» و هزاران حرف پوچ و کاغذی دیگر افرادی با سناریوهای ابلهانه دست به تحریک و ترغیب مردم برای باختن اموالشان می‌زنند. این سایت‌ها به صورت بیست و چهار ساعته فعال هستند. حتی صاحبین خارج‌نشین انواع این سایت‌ها در صفحات خود اعلام می‌کنند که سایت شرط بندی ما با قابلیت پشتیبانی شبانه روزی به

تمامی مشکلات شما در مراحل واریز و غیره رسیدگی می‌کنند. حتی قابلیت پرداخت از طریق درگاه‌های بانکی مختلف در داخل این سایت‌ها وجود دارد اما چگونه؟ طبق بررسی‌های مختلف و جستجوهای که کاربران در این سایت‌های شرط بندی انجام داده‌اند اغلب اعلام شده که این سایت‌ها با الگوریتم‌های خاصی طراحی شده است، الگوریتم‌ها این‌طور طراحی می‌شوند که افراد در مراحل اولیه به سودهای جزیی و اندک دست پیدا کنند و بعد از آن بلافاصله باخت و ضررهای پیاپی با رقم‌های بالاتر را تجربه کنند و به لحاظ ذهنی این‌گونه ترغیب می‌شوند تا برای جبران ضرر بازی را ادامه دهند دریغ از آنکه طراحی این مجموعه‌ها به‌صورتی است که در نهایت فرد بازنده خواهد بود. بخصوص با وارد کردن مبالغ بالا به این سایت‌ها کدهای مربوط به مبالغ زیاد در سایت فعال شده و فرد با زندگی خود را حتمی می‌کند. با اعلام بسته‌شدن انواع این سایت‌ها توسط پلیس فتا و گرم تر شدن بازار خبر رسیدگی و یا حتی دستگیری صاحبین این سایت‌ها که در خارج از ایران و اغلب در کشور ترکیه ساکن هستند. با زیر نظر گرفتن فعالیت این افراد در فضای مجازی به‌خصوص در دو، سه هفته اخیر شاهد سفرهای طولانی مدت و خارج شدن این افراد از خاک این کشور به کشورهای دورتر اروپایی به بهانه‌ی سفرهای تفریحی و غیره... بوده ایم اما واقعا این سفرهای ناگهانی طولانی مدت و هم‌زمان، این اشخاص آن‌هم در شرایط خطرناک همه‌گیری ویروس کرونا قابل باور است؟!

با رواج سایت‌های قمار آنلاین بیش از هر زمان دیگری توجه به فعال بودن درگاه‌های پرداختی این سایت‌ها مطرح شده است. آن‌طور که گفته می‌شود شاپرک

به عنوان رابط میان بانک مرکزی، شبکه بانکی مسدود کردن درگاه‌های بانکی سایت‌های شرط‌بندی را در دستور کار خود قرار داده است. بر اساس گزارشات مربوطه عباسی، مدیر نظارت شرکت شاپرک در آبان سال گذشته در گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران در خصوص بسته‌شدن درگاه‌های اینترنتی متخلف گفته است: «با اقدامات انجام شده از سال ۹۶ بیش از ۹ هزار درگاه اینترنتی متخلف بسته شده است که به بیش از ۲ هزار کد ملی مربوط می‌شود. این سایت‌ها از طرق مختلفی از جمله بررسی‌های بصری، جست‌وجوی کلمات کلیدی و روش‌های مبتنی بر الگوریتم‌های هوش مصنوعی شناسایی و مسدود می‌شوند.» اما مساله ای که بیشتر از هر زمان دیگری توجه به آن مهم است ضرورت توجه به قانون و عملی کردن آن در بطن جامعه و مقابله با وعده‌ی این سودهای کلان یک شبه است. وعده‌ای که تاکنون باعث خارج شدن مقدار زیادی ارز از کشور ما شده است که بدون شک تبعاتی را برای اقتصاد خرد و کلان ما خواهد داشت، پول‌هایی که به جای وارد شدن به چرخه‌ی اقتصادی داخل کشور اشتغال زایی و کارآفرینی در داخل به جیب افراد فرصت‌طلبی وارد می‌شود که عادت به خرج کردن پول‌های بدون زحمت و بادآورده دارند. با امید به، روشن شدن این افعال و اهداف برای تمامی مردم تا از این اشخاص قهرمان‌های کاغذی نسازیم زیرا که داخل کشور ما پر از قهرمان‌ها است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ سوره‌ی بقره- آیه‌ی ۲۱۹

ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنها است. و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده: آنچه زائد (بر ضروری زندگانی) است. خداوند بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر نموده و عقل خود به کار بندید

ولپسین کارزار

کارشناسی علوم سیاسی
دانشگاه تهران

علی میرزاخانی

مساله واکسن ایرانی کوید ۱۹ یا واردات
واکسن خارجی در شرایط تحریم

حدود یک سال است که بیماری کرونا به عنوان یکی از مهم ترین رویدادهای سده حاضر، در غیرمنتظره ترین نحو ممکن، تمام سطوح زیست انسانی را متأثر از خود ساخته است. هرچند که این ویروس بر سراسر جهان سایه افکنده؛ اما همه کشورها به طور همگون، در برابر این حریف، شرایط یکسان ندارند. از اعمال محدودیت رسمی کرونایی ایران، تاکنون این بیماری در همه سطوح برای ایران، چالش آفرین بوده و اکنون آیا می توان مساله واکسیناسیون را به مثابه گام نهائی این کارزار دشوار دانست؟

بیش از نقل یا بررسی هر مطلب، باید این مهم را اذعان دارم که کنکاش مساله واکسیناسیون و به طور کلی ویروس کرونا، پیش از آنکه صرفاً در حوزه داروسازی یا... پرداخته شود، بیشترین ارتباط را با حوزه سیاستگذاری سلامت دارد و چنین موضعی در بررسی این امر، ما را به نتایج بهتری می رساند.

شرایط کنونی حاکی از آن است که در یک یا دو ماه آینده، مساله واکسیناسیون در ایران از مهم ترین مسائل جاری باشد. در بعد کلی، با توجه به تاریخ علم، دستاوردهای دانش داروسازی، مراتب ثابت تجربی و آزمایشی و... ساخت واکسن برای چنین بیماری هایی نیازمند تامل و روندی نسبتاً طولانی است؛ اما مساله جزئی تر، جهش این ویروس بود که عمده این تلاش ها را تحت تاثیر خود قرار می داد. هرچه که شواهد خبری حاکی از آن است که جهان در جایگاه تقریباً مطلوبی در زمینه تولید واکسن قرار دارد. گونه هایی از واکسن در چین، ایالات متحده، انگلستان و آلمان

آزمایش شدند. در خاورمیانه برخلاف ترکیه و امارات، ایران در بهره‌گیری از واکسن چین، تعلل ورزید. مساله تحریم نیز درقبال واردات واکسن خارجی که گویا ایران، واکسن آکسفورد را مدنظر دارد نیز بسیار مهم است. مساله تحریم، همواره درحوزه سلامت، ایران را مورد تهدید قرار می‌دهد و تاخیر در ورود واکسن‌های آنفولانزا می‌تواند دورنمایی از موعد تحویل واکسن‌های خارجی کرونا را پیش روی ما نهد که البته امیدواریم چنین نشود.

بد نیست به مطالبی پراکنده در زمینه واردات واکسن نیز اشاره شود: پس از آنکه واکسن شرکت آمریکایی فایزر، بنا بر اظهار اف دی ای، در مراحل مقدماتی خود، نتیجه بخشی بیش از حد انتظار داشت، در جلسه‌ای میان مدیران ارشد وزارت بهداشت ایران با مدیران شرکت استرازنکا (از شرکت‌های سهامی در تولید واکسن آکسفورد)، این شرکت برای اختصاص ۲۰ میلیون دوز واکسن برای ایران و تحویل آن در میانه اسفند ماه بشرط شتاب ایران در ثبت سفارش و عقد قرارداد، اعلام آمادگی نمود. سخنگوی سازمان غذا و داروی ایران اخیراً از پیش خرید حدود ۲۱ میلیون دوز واکسن از چهار کشور سازنده خبر داد که ضمن این خبر به مساله تحریم، اهمیت تایید مجامع معتبر جهانی و نهایتاً تلاش مقامات ایران در خریداری واکسن برای آغاز سال میلادی آینده نیز اشاره شد. دکتر نمکی نیز از ورود زودهنگام واکسن به کشور خبر داد و اشاره کرد: به دلیل فشارهای ناجوانمردانه ایالات متحده در نقل و انتقالات ارزی مشکلاتی پیش رو بود؛ اما با دستور رئیس جمهور مبنی بر تامین مالی، بزودی محموله‌های حاوی واکسن وارد کشور می‌شوند. درباره واکسن ایرانی

نیز وزیر بهداشت، تلاش حداکثری ایران را در این مورد یادآور شد و ابزار نمود که تا بهار آینده، واکسن وطنی در اختیار هم میهنان قرار خواهد گرفت.

سرانجام، رئیس جمهور نیز از کوشش برای نهایت شتاب در روند واکسیناسیون (داخلی یا خارجی) خبر دادند و پرداختن به حواشی غیر ضرور را نامناسب دانستند.

علاوه بر تعیین زمان تسلیم محموله‌ها، پیش‌بینی می‌شود که فاصله تحویل محموله‌ها تا انجام واکسیناسیون در ایران، حدود دو هفته باشد.

به‌عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، ابتدا به این امر نظر می‌شود که دست کم برای کوتاه مدت، مساله تولید یا خرید واکسن برای ایران، اهمیتی بیش از حد تصور دارد. هرچه می‌گذرد، کشورهای پیشگام در تولید و صدور واکسن، در حال ارتقا همه جانبه محصول خود هستند و طبق اخبار رسمی که قید گردید، زمان ارائه واکسن داخلی، حدود چهارماه دیرتر از نمونه‌های خارجی است که البته اگر از کیفیت این دو نیز چشم‌پوشی نماییم!

چنانچه پیگیر اخبار معتبر در این زمینه باشیم، خواهیم دید که هرچه پیشتر می‌رویم، تلاش مقامات ایرانی برای خرید واکسن، وضعیتی شتابان و تصاعدی به خود گرفته است که اهمیت واکسیناسیون هرچه زودتر را می‌رساند. در این میان چالش‌های بالقوه‌ای نیز در کمین غلبه بر کرونا قرار دارند: مدیران ایرانی نایستی عمده توجه خود را معطوف به تحریم‌ها سازند، چراکه بهتر است به‌طور عام تر، انجام تزریق واکسن را مدنظر قرار دهند تا حل تحریم‌ها، روندی منضبط به خود گیرد. مساله دیگر، مخالفت اصحاب شبه علم و مدعیان تخصص در گونه‌هایی از علم طب هستند که در سراسر سال گذشته به ویژه سه ماه نخست قرنطینه، حواشی

بسیاری آفریدند و بیم نگارنده بر آنست که آنچه در عصر مرحوم امیر کبیر در قبال آبله کوبی رخ داد، بار دیگر رسوایی به بار آورد.

سخن نهائی اینکه هر چند مساله واکسیناسیون باید به نحو احسن پیگیری شود، اما در کوتاه مدت، مقصد غائی جهان، ظفر مندی در این جدال نفس گیر است و واکسیناسیون را بایستی در مقام راه دستیابی به این پیروزی دانست و نه قصد درازمدت. اینکه با وجود همه کشمکش‌هایی که متوجه تولید یا خرید واکسن، متوجه ایران است، واکسیناسیون انجام گردد. اما همچنان امور آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و... در حال رکود کنونی باشند چه سود؟

امید بر آن است که اخبار اخیر در حوزه واکسن، بارقه نجات جهان از دیو کرونا باشد و بار دیگر به شرایط پیشین خود بازگردیم.

در این شب سیاهم، گم گشت راه مقصود
از گوشه‌ای برون آی، ای کوکب هدایت

گره رقصان مسؤلان خوزستان

نگاهی به سیل خوزستان
و اقداماتی که انجام نمی‌گیرد

ساغر خزان‌ی هروی
کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

و هماهنگی لازم را برای پیشگیری و کنترل بلایای طبیعی انجام دهد. جناب آقای شریعتی، استاندار استان خوزستان در حالی به این منصب برگزیده شده است که با وظایف خود آشنایی دارد. اما در حالی که هیچ اقدامی به منفعت مردم خوزستان انجام نمی‌گیرد، چرا همچنان بر صندلی خود نشسته است؟!

استانداری خوزستان بالاترین بودجه را از دولت دریافت می‌کند و ضعیف‌ترین عملکرد را ارائه می‌دهد. مردم خوزستان بارها در حضور نماینده ولی فقیه خواستاری برکناری او بوده‌اند.

علاوه بر استانداری، در وظایف یک شهردار نیز بیان شده است که باید اقدامات لازم برای پیشگیری از

در هفته گذشته سیل خوزستان داغ چند عزیز را بر دل گذاشت. ولی باز هم بهانه‌ها و قصه‌ها و ندانم کاری‌ها به صف چیده شدند.

در تاریخ ۹ آذر ماه ۱۳۹۹، بارندگی در استان‌های جنوبی کشور، زندگی چندین خانواده را متوقف کرد. بسیاری از خانه‌ها دچار آب‌گرفتگی شدند و فاضلاب شهری وارد منازل شد.

اما در چنین شرایطی که مردم خانه‌های خود را از دست می‌دهند و نمی‌توانند در آرامش زندگی کنند، آیا کسی پاسخگو نیست؟! چرا کسی مسئولیت کم کاری را به عهده نمی‌گیرد؟!

طبق ماده ۲ مصوبه قوانین وظایف و اختیارات استاندار، مسئول منصوبه وظیفه دارد، هرگونه تدبیر



تحمل کرده‌اند و همچنان تحمل می‌کنند. این مردم رنج‌دیده چه گناهی کرده‌اند که چنین استاندار و شهردار بی‌مسئولیتی نصیبشان شده که حتی به خودشان زحمت استعفا نمی‌دهند. حتی این هم جای سوال است. درحالی‌که این دو استعفا نمی‌دهند، چرا مقام‌های دولتی آن‌ها را بر کنار نمی‌کنند؟! دولت نیز با مردم شریف خوب نبوده و روی زخم آنها نمک می‌پاشد و پیشنهاد یارانه معیشتی ویژه سیل زدگان را ارائه می‌دهد. انگار که یارانه‌های چندصد هزاری، زندگی آب برده آنها را نجات خواهد داد!

پس وظیفه شهردار و استاندار چیست؟ در حکومت اسلامی آمده است، در صورتی که افراد منصوب صلاحیت و شایستگی لازم را نداشته باشند، چرخه اداره جامعه با مشکل مواجه می‌شود. پس دائما باید صلاحیت افراد تحت نظر باشد و در غیر این صورت با آنها برخورد لازم انجام بگیرد. با این تعاریف اما جناب شریعتی از سال ۱۳۹۵ همچنان بر صندلی استانداری تکیه زده است و هیچ اقدامی جهت رفاه حال مردم استان انجام نمی‌دهد. پس تکلیف چیست؟!

حوادث انجام بگیرد.

از سمتی شهردار اهواز بیان می‌کند، ما مشکل آب‌گرفتگی را نمی‌توانیم حل کنیم. شهردار دوباره چشم به جیب دولت دوخته و اظهار می‌کند، دولت باید اعتبار ویژه‌ای برای رفع مشکل آب‌های سطحی اختصاص بدهد!

بودجه شهرداری اهواز در سال جاری حدود ۲۵ هزار میلیارد ریال بوده است. از آنجایی که پیشگیری از حوادث و نظافت و نگهداری و تسطیح معابر و مجاری آب در وظایف شهرداری تعیین شده، پس بودجه شامل این موارد را نیز می‌شود. در چنین شرایط چرا شهردار اهواز، در موقعیت اضطراری سیل که زندگی مردم شریف اهواز را آب برده، چرا از بودجه برای ارائه خدمات و پیشگیری از حوادث استفاده نمی‌کند و مسئولیت این کار را به عهده نمی‌گیرد و بیان می‌کند وظیفه شهرداری نیست؟!

استاندار خوزستان چرا بهانه می‌آورد؟!

طبق معمول بهانه می‌آورند. می‌گویند بودجه نداریم! ولی علاوه بر بودجه سالانه، با دستور رهبری ۱۰۰ میلیون یورو برای مشکلات سیل و فاضلاب استان خوزستان به استانداری خوزستان اختصاص داده شد. این همه پول خرج کجا می‌شود که در هر سیل و باران، فاضلاب وارد خانه مردم می‌شود و زندگی مردم را مختل می‌کند. وعده می‌دهند که ۳ ساله این مشکل را حل می‌کنیم به شرط بودجه مورد نیاز! بودجه اختصاصی برای این کار هم ارائه شد ولی باز هم همان آش و همان کاسه...

مردم شریف استان خوزستان سختی‌های زیادی را



لایحه بودجه و ایرادات آن

محمد صدر افتخاری

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

لایحه بودجه در تاریخ ۱۲ آذرماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گشته و تاکنون با مخالفت‌های قابل توجهی روبرو شده است. تا بدانجا که زمزمه‌هایی مبنی بر رد کلیات آن از جانب نمایندگان مجلس شنیده می‌شود و ایراداتی همچون واقعی نبودن ارقام بدان گرفته شده است. مقتضی است که به برخی از اشکالات وارده به لایحه بودجه نگاهی بیندازیم:

منابع عمومی دولت در لایحه بودجه سال جاری، معادل ۴۸۴ هزار میلیارد تومان بود که پس از اعمال تغییرات در مجلس شورای اسلامی و تصویب آن، به رقم ۵۷۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافت. طبق لایحه بودجه ۱۴۰۰، منابع عمومی دولت در سال آینده ۸۴۱ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است و این رقم افزایش ۴۷ درصدی نسبت به قانون بودجه امسال را نشان می‌دهد. این میزان انبساط بودجه در حالی صورت خواهد گرفت که در سال آینده با گشایش اقتصادی روبرو نخواهیم بود و این نوع برنامه ریزی برای منابع و هزینه کرد ها کم تر انطباقی با شرایط سال آتی دارد. علاوه بر آن اینکه افزایش ها نیز در نتیجه منابعی بحث برانگیز صورت خواهد پذیرفت.

از جمله این امور بحث برانگیز لایحه بودجه، میزان پیش بینی شده صادرات نفت است. طبق این لایحه، فروش نفت به حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه مفروض گرفته شده است که به طور کلی حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از منابع بودجه بدین طریق تأمین گردد. بسیاری بر این امر تأکید نموده اند که این میزان، با واقعیت سال آینده همخوانی نداشته است؛ از این رو این ایراد به دولت وارد می‌گردد که چنین

پیش بینی از میزان تولید نفت، مبتنی بر وقوع توافق با آمریکا باشد و برنامه دولت نیز برای تضمین همین امر است. رئیس جمهور در پاسخ به این ایراد در نشست خبری اعلام داشتند که لایحه بودجه خوشبینانه نبوده است؛ بلکه مبتنی بر واقع بینی است و پیش بینی تولید و فروش نفت فارغ از تحریم صورت خواهد پذیرفت؛ هرچند که در ادامه نیز تأکید نمودند، عمر تحریم ها به پایان رسیده است. متأسفانه این گونه پاسخ‌دهی و عدم شفاف‌سازی‌ها از جانب رئیس جمهور را نیز می توان مؤید ایرادات وارده بدانیم.

از سوی دیگر طبق پیش بینی مرکز پژوهش‌های مجلس، در صورتی که دولت در سال آینده در تأمین منابع بودجه از طریق درآمدها، واگذاری‌ها و همچنین فرض معقول تر صادرات نفت طبق برنامه بودجه عمل نماید، همچنان به حدود ۳۲۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه وجود خواهد داشت و تأمین آن با ابهامات فراوانی روبرو خواهد بود. رئیس جمهور در پاسخ به این امر که این شیوه از برنامه‌ریزی بدان جهت است که دولت کنونی مسئولیتی نسبت به اجرای آن نخواهد داشت؛ ضمن نادرست شمردن این ادعا اعلام داشتند که مسئولیت اجرای ۵ ماه از بودجه بر عهده وی باشد و از این‌رو صرفاً فشاری برای دولت بعدی نخواهد بود که بخواهیم آن را تصمیمی سیاسی بدانیم. هرچند که این سخن تا حدودی درست باشد؛ اما توجه به یک نکته بسیار حائز اهمیت است: علاوه بر آن نیز در صورتی که دولت نتواند به پیش بینی خود مبنی بر فروش نفت عمل نماید؛ همانطور که رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز این رقم در بودجه را مشروط دانسته، دولت مجبور می‌گردد که از طرق دیگر مانند فروش

اوراق، منابع مورد نیاز حاصل گردد. در باب واگذاری نیز مسئله اساسی وجود دارد و آن اینکه طبق عملکرد دولت در امسال، تنها در نیمه نخست سال شاهد استقبال از عرضه اوراق بوده ایم و چندی است که عرضه اوراق بدهی دولتی در هر هفته کمتر از هزار میلیارد تومان گشته است و بدین جهت می توان اعلام داشت که این اوراق، برای دولت در ادامه سال جاری نیز تأمین منابع به خصوصی نخواهد نمود. مسلم است که محدود بودن ظرفیت این راهکارها نیز برای سال آینده نیز ادامه دار خواهد بود و در بهترین حالت ممکن نیز بیشتر عرضه اوراق عمدتاً در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ کاربرد خواهد داشت و زمان روی کار آمدن دولت بعدی با دشواری‌های بیشتری برای تأمین منابع بودجه روبرو خواهیم بود.

انبساط بودجه دولت علاوه بر اینکه مبتنی بر افزایش درآمدهای بودجه نیست و واگذاری‌ها هرچند که به وقوع نیز پیوندد و به صورتی صد درصدی انجام پذیرد؛ همچنان از طریقی پایدار و ثابت نبوده است و در نهایت نیز عملکرد دولت را با مشکلات فراوانی روبرو خواهد ساخت. از سوی دیگر اینکه توقع داشته باشیم که دولت بتواند در عرض یک سال بودجه را به نحو ساختاری اصلاح نماید و درآمدهای مالیاتی را از طریق گسترش پایه مالیاتی، شفاف سازی فرایند اخذ مالیات و ... افزایش دهد که در نهایت موجب پایدار تر شدن بودجه کشور گردد؛ امری دور از ذهن است و مستلزم برنامه ای بلند مدت. اما آنچه توقع از آن لازم می‌بود، بهبود روند نگارش بودجه نسبت به سال گذشته بود که در لایحه بودجه سال آینده کمتر نشانی از آن به چشم می‌خورد.



سرباز بابلی

امیر حسین ناصحی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

شما برای تبدیل کردن شهروندان خود به مخالفان راه های مختلفی دارید. می توانید ابتدا انواع سیاست های محرومیت را برای وی ایجاد کنید. برای شروع، محرومیت فرهنگی و اقتصادی علیه آنها به کار ببرید و همچنین می توان با تخریب هویتی و به رسمیت نشناختن شأن و شخصیت اجتماعی و احترام، تا به رسمیت نشناختن نیازها، دادن وعده های دروغین و عمل نکردن به قوانینی که خود وضع کرده اید، شهروندان خود را به مخالفان تبدیل کرد. تمامی این موارد مو به مو طی دو سال خدمت مقدس سربازی توسط ستاد کل نیروهای مسلح روی همه ی جوانان ایرانی به دقت اجرا می شود. شاید مرا به القای ناامیدی و تصویری تاریک از وضع موجود سربازی اجباری متهم کنید، اما قبل از چسباندن چنین برچسبی، این یادداشت کوتاه را تا انتها بخوانید و سعی کنید خود را لحظه ای جای سرباز قرار دهید تا شاید درکی از شرایط پیدا کردید.

حتما شما هم قصه تلخ هشتگ داغ این روزها با مضمون سرباز بابلی را شنیده اید؛ می گویند او رضایت خود را از قاضی اعلام کرده است اما...

قاضی سرباز بابلی را به میز بسته و او را مورد ضرب و شتم و تحقیر قرار داده و در نهایت با این جمله (که تو گویی از

دهان فرعون بیرون آمده) مگه نمی‌خواهی توی این شهر زندگی کنی؟! او را تهدید کرده است اما به کدامین گناه چنین برخوردی با سرباز بابلی شد؟

جرم او نشناختن قاضی و درخواست کارت شناسایی سرباز از او و جلوگیری از ورود قاضی به جلسه از روی حس انجام وظیفه بود! الله اکبر آیا می‌توان از چنین طرز تفکری انتظار اجرای عدالت داشت؟ مگر نه اینکه معیار و الگوی ما در حکومت اسلامی علی علیه السلام است؟ علی قاضی منصوب خود را به دلیل بلند کردن صدا بر متهمان عزل می‌کند؛ از این رفتار می‌شود نتیجه‌گیری کرد که قاضی یک حکومت اسلامی نماد و ویتترین آن حکومت است و کوچکترین عمل و سخن غیر اخلاقی از او غیر قابل پذیرش است. چرا که او الگوی عدل و تقوا نزد عموم مردم و در حقیقت آبروی حکومت اسلامی است.

اما در اینجا مسئله تنها یک قاضی نیست. او نه اولین نفری است که چنین برخوردی با سرباز دارد نه آخرین نفر، مسئله بی‌دفاع و پشتوانه بودن قشر سرباز جامعه است؛ مسئله تخریب و ارزش قائل نشدن برای حیثیت و هویت سرباز است که طی سال‌ها تکرار این روند در جامعه تبدیل به یک عادت و سنت شوم شده است. پس با نگاهی منطقی باید به سربازان حق داد که بعد از گذراندن دو سال خدمت اجباری حب وطن در قلبشان جای خود را به کینه و عداوت بدهد.

خروجی این مدل سربازی اجباری برای جمهوری اسلامی فقط و فقط دشمن‌سازی است نه تربیت سرباز فدایی.

لکن باید در اصل سربازگیری اجباری به طور جدی تجدید نظر شود.





فرزنام نامہ

سودای امپراتوری

اردوغان، آذربایجان و مناقشات جدید در مرزهای ایران (؟)

محمد امین ترابی

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

روز جمعه بود که رجب طیب اردوغان - رئیس جمهور ترکیه - در مراسم رژه ی نظامی نیروهای جمهوری آذربایجان ابیاتی را در رابطه ی با جدایی آذربایجان از سرزمین مادری خود خواند. این کار اردوغان واکنش های زیادی را در داخل کشور ما برانگیخت و حتی دقایقی از جلسه ی علنی روز یکشنبه ی مجلس شورای اسلامی را درگیر حواشی خود ساخت. این نوشته بر آن است که تحلیلی کوتاه از اتفاقات گذشته و حوادث احتمالی آینده از نظر بگذرد.

وی در مراسم رژه ی باکو، بیتی را با این مضمون که «ارس را جدا کردند و آن را با میله و سنگ پر کردند / من از تو جدا نمی شدم به زور جدایمان کردند» خواند. این بیت از آن جهت که به نوعی توهین به حاکمیت کشورمان تلقی شد، از سوی بسیاری از سیاستمداران و حتی شاعران مورد انتقاد قرار گرفت و هر کس به زعم خود پاسخ اردوغان را داد. اما ماجرا از چه قرار است؟ نگاهی ساده و گذرا به متن کامل شعری که رئیس جمهور ترکیه بیتی از آن را بازخوانی کرد، نشان می دهد که اردوغان در واقع اعتراف کرده که جمهوری کنونی آذربایجان بخشی از ایران است که به زور از سرزمین مادری خود جدا شده است! بیتی که اردوغان به آن اشاره کرده، در شعری آمده که از جمله اشعار حماسی فراوانی است که مردم آذربایجان در هر دو سوی باقی مانده و جدا شده، در اعتراض به بی کفایتی شاهان قاجار و در غم جدایی این بخش از سرزمین ایران زمزمه می کرده اند. در واقع کسی باید این شعر را بخواند که خود اهل یکی از این دو بخش جدا شده باشد! حال چه باید گفت؟ آیا اردوغان نمی داند که آذربایجان از ایران جدا شده است؟ آیا او کمترین بهره ای از هوش و درک سیاسی نبرده است؟! آیا او به دنبال زیر سوال بردن استقلال آذربایجان و توهین به مردم این کشور است؟

برای درک بهتر اتفاقی که اخیرا افتاده، باید مروری بر پیشینه ی اقدامات اردوغان و حامیانش در منطقه ی غرب آسیا و شمال آفریقا داشته باشیم. اقداماتی که به عقیده ی بسیاری از کارشناسان منطقه ای و فرامنطقه ای به دنبال ایجاد شرایط جدید و تغییر در موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه و یا به طور کلی توسعه طلبی به انواع و اقسام روش ها هستند. حمله به کردها در سوریه،

ایجاد پایگاه نظامی در قطر و برگزاری تمرین مشترک نظامی با نیروهای این کشور، حمایت مالی و تسلیحاتی از دولت آذربایجان در جنگ قره باغ و اقدام اخیر در حمایت از دولت وفاق ملی لیبی تحت عنوان پاسداری از حاکمیت این کشور - اما در واقع برای طولانی تر شدن جنگ و اعمال نفوذ بیشتر در منطقه‌ی مدیترانه و شمال قاره‌ی آفریقا - همگی مثال‌هایی از این دست هستند.

اوضاع هنگامی جالب تر می شود که نگاهی به افزایش چشمگیر بودجه‌ی نظامی ترکیه بیندازیم. در گزارش موسسه‌ی تحقیقات صلح سوئد در رابطه با بودجه‌ی نظامی ترکیه آمده است که در ده سال گذشته، این بودجه افزایش چشمگیر ۸۶ درصدی داشته است. هم چنین بودجه‌ی دفاعی - امنیتی این کشور در سال ۲۰۲۱ با افزایش حدوداً ۱۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۰، به ۱۳۸ میلیارد لیره می رسد. طبیعی است که حملات گسترده به شمال سوریه و عراق و همچنین دخالت در امور لیبی (با وجود شکست های فراوان)، چنین هزینه های سنگینی را به کشوری که درگیر مشکلات عدیده‌ی اقتصادی و سیاسی است و سال آینده با کسری بودجه‌ی شدیدی رو به روست، تحمیل کند. بخشی از این افزایش بودجه هم مربوط به امنیت داخلی است و به نوعی این پیام را به داخل کشور مخابره می کند که ثبات و امنیت در درون کشور هم باید افزایش یابد یا شاید به دنبال جلوگیری از آشوب‌ها و ناآرامی‌ها باشد. به ویژه با بررسی اعداد درمی یابیم، از کودتای سال ۲۰۱۶ که جایگاه اردوغان و دولت وی را تحت الشعاع قرار داد، بودجه‌ی امنیت داخلی

رشدی جهش گونه داشته است.

اگر بتوانیم میان تلاش ترکیه برای افزایش حضور نظامی در منطقه، انجام حفاری‌های پی در پی در دریای اژه (که به بهانه‌ی تلاش برای اکتشاف منابع صورت می گیرد) و اقدامات بی سابقه در حوزه‌ی فرهنگ نظیر بازگرداندن هویت دینی به موزه‌ی ایاصوفیه و تبدیل آن به مسجد، ارتباطی برقرار کنیم، تاریخ‌خانه‌ی اتفاقات اخیر تا حدی روشن خواهد شد. روزگاری ترکیه تلاش بسیاری کرد تا به عضویت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) - که در واقع همه جا به دستور آمریکا عمل می کند - در بیاید و هم چنین به دنبال آن بود که عضو اتحادیه‌ی اروپا شود. اما قرارداد خرید سامانه‌ی اس-۴۰۰ را با روسیه امضا کرده و به ناتو پشت می کند و به ناگهان اقداماتی در دریای اژه انجام می دهد که صدای اعتراض و خشم واحدی از اعضای اتحادیه‌ی اروپا برمی خیزد و یک تنه در برابر همه‌ی آن ها سینه سپر می کند. به نظر می رسد ترکیه با ایجاد مثلثی که یک ضلع آن نظامی، ضلع دومش اقتصادی و ضلع دیگر آن هم فرهنگی است، سودای ایجاد نوعی نظم جدید را در منطقه و سپس کل دنیا را دارد که گاه و ناگاه از آن به عنوان «نو عثمانی گرای» یاد می کنند. در واقع اردوغان نماد و شاید رهبر تفکری است که رویای احیای امپراتوری عثمانی را با هدف مقابله با جهان مسیحیت اروپایی و سرکوب سکولارهای داخل ترکیه در سر دارند.

حال ارتباط نو عثمانی گرای با شعرخوانی روز جمعه‌ی اردوغان چیست؟ با نگاه به نقش ترکیه در تحولات قره باغ و پیوند آن با سخنرانی وی، می توان



جمهوری‌کشورمان حتی کوچک‌ترین واکنشی به این اقدام اردوغان نشان نداد و البته قبل از آن، حاکمیت ما اقدامات پیش‌گیرانه‌ی موثری اتخاذ نکرده است. از تماس تلفنی چاوش اغلو - وزیر خارجه ترکیه - و گفتگوی وی با وزیر خارجه‌ی کشورمان با مضمون عذرخواهی که به نوعی اظهار پشیمانی و عقب‌گرد از این کار در آن نهفته است، می‌توان فهمید که ترکیه یارای مقابله‌ی مستقیم با کشورمان را ندارد و در خفا قصد بهره‌گیری حداکثری از غفلت حداکثری کارگزاران ما را دارد. اکنون وقت آن است که نه تنها دستگاه دیپلماسی، بلکه همه‌ی بخش‌های کشور از حالت «انفعال استراتژیک» خارج شوند و اوضاع را آن‌گونه که منافع ما را تضمین کند، تغییر دهند.

دریافت که احتمالاً اردوغان و هم‌فکران او در داخل و خارج ترکیه، در صدد ایجاد نوعی تقابل میان دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، با هدف ضربه زدن به اشتراکات تاریخی و فرهنگی و هم‌چنین همکاری‌ها و روابط دوجانبه‌ی دو کشور هستند تا خود بتوانند جای پای خود را در منطقه محکم کنند. آن‌ها به نوعی از ضعف و به تعبیری «ورشکستگی نظامی و هژمونیک آمریکا» و ناتوانی دولت ایالات متحده و هم‌پیمانانش در جلوگیری از نفوذ روزافزون ایران در غرب آسیا، بیشترین بهره را می‌برند و این خیال را در سر می‌پروراند که آب را گل آلود کرده، از آن ماهی بگیرند. این احتمال زمانی تقویت می‌شود که این اقدام اردوغان دقیقاً هم‌زمان با حضور وزیر خارجه‌ی جمهوری آذربایجان در کشور ما و گفت‌وگوهای دوجانبه‌ی وی با مقامات کشورمان بود. در واقع تغییر معادلات قره‌باغ و نخجوان و از بین بردن اتحاد میان ایران و آذربایجان به نفع خود، پوششی بسیار مناسب برای جبران شکست‌های گذشته است.

در شرایطی که ترکیه سیاست خارجی تهاجمی در پیش گرفته است و به جای برقراری روابط فرهنگی، تجاری و دیپلماتیک با سایر کشورها اقدامات نظامی پیش‌دستانه انجام می‌دهد، ما چه می‌کنیم؟ به نظر، ترکیه در دنیای سیاست خارجی در حال دروکردن منافع ملی خویش است و ما فقط نگاه می‌کنیم. شاهد آن هم این است که اوج اقدامات ما، احضار سفیر ترکیه به وزارت خارجه و اعلام مراتب اعتراض شدید(!) به وی درباره‌ی اظهارات رئیس‌جمهور کشورش بود. رئیس



ترکیه یا یونان، در نهایت اتحادیه اروپا چه تصمیمی می‌گیرد؟

فاطمه تاجیک

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

در تاریخ ششم آذر ماه ۱۳۹۹ (۲۶ نوامبر ۲۰۲۰)، بر اساس قطع‌نامه ای که توسط پارلمان اتحادیه اروپا صادر شد؛ نمایندگان، فعالیت‌های اکتشافی ترکیه در آب‌های مورد مناقشه یونان و قبرس را محکوم کردند. آنها از شورای کشورهای اتحادیه اروپا خواستند که با اعمال تحریم‌های جدی به دولت ترکیه پاسخ دهند. پیش‌پرده این قطع‌نامه از آنجا ناشی می‌شود که اقدام ترکیه در انجام حفاری میدان گازی در مدیترانه شرقی با مخالفت کشور یونان مواجه شده است و فرانسه در این مسئله با تقویت نیروی نظامی خود در این منطقه، مداخله کرده و اتحادیه اروپا را به نشان دادن واکنش وادار کرده؛ در نتیجه بروکسل تهدید به تحریم ترکیه کرده است. رهبران اتحادیه اروپا در ماه اکتبر به ترکیه هشدار داده بودند که از مواضع خود عقب بنشینند و عمل ترکیه در بازگرداندن کشتی اکتشافی خود کمی باعث تعدیل اوضاع شد؛ اما اختلاف بین دولت ترکیه و اتحادیه اروپا ریشه‌های عمیق تری دارد و رویکرد ترکیه در شرق مدیترانه

تنها یکی از آنهاست. اختلافاتی نظیر نقش آنکارا در سوریه و لیبی و دخالت مستقیم دولت اردوغان در حمایت از آذربایجان در درگیری قره باغ از این دست می باشد. بنابراین روابط ترکیه و اروپا به دلیل بلند پروازی های ژئوپلیتیکی ترکیه و روی گردانی ترکیه از آرمان های اروپایی به پایین ترین سطح افول پیدا کرده است.

اتحادیه اروپا برای تصمیم گیری قاطع بر سر دوراهی قرار گرفته است. از طرفی اروپا طبق نگاه تاریخی خود طرفدار یونان که جلوه ای از امپراطوری مقدس روم باستان می باشد، هست و از طرف دیگر چون عضو پیمان نظامی ناتو است ملزم به دفاع از منافع ترکیه می باشد چرا که بر اساس ماده پنجم این پیمان، حمله نظامی علیه یک یا چند کشور عضو در اروپا یا آمریکای شمالی به عنوان حمله به تمامی کشورهای عضو تلقی میشود و کشورها ملزم به مقابله با آن هستند. فراتر از آن، ترکیه از مرزهای اتحادیه اروپا حفاظت می کند. زیرا بیش از ۴ میلیون پناهنده را در درون کشور خود جای داده است و در غیر این صورت، صدها هزار نفر مهاجر در مرزهای اروپا و مجارستان قرار می گرفتند.

در مورد اختلاف بین یونان و ترکیه، منشأ این اختلاف به سال ۱۹۷۴ برمی گردد؛ که یونان از قلمروی عثمانی جدا شد و استقلال یافت. هنگامی که آن به فکر تصرف جزیره قبرس افتاد این موضوع باعث شد که ترکیه تحت شعار ((حمایت از ترک های ساکن در بخش شمالی قبرس)) اشغال این منطقه توسط نیروهای نظامی خود را، توجیه کند. سرانجام، پس از کشمکش

های طولانی، دو طرف درگیر یعنی ترکیه و یونان آتش بس را پذیرفتند و هم اکنون ۳۸ درصد از خاک قبرس شمالی در کنترل دولت ترکیه می باشد.

حال، وزیر خارجه ترکیه طی مصاحبه ای اعلام کرده است که به هیچ وجه امکان ندارد که به دلیل مواجه شدن با تحریم یا انتقادات اتحادیه اروپا، از حقوق و منافع خود در شرق دریای مدیترانه دست بکشیم. این حقوق و منافع چیست؟

اگر ترکیه موفق به جذب شرکت های فعال در حوزه انرژی و تأمین منابع مالی تقریباً ۶ میلیارد دلاری طرح منبع گازی تونا-۱ شود قادر خواهد بود از سال ۲۰۲۳ از میدان گازی کشف شده در دریای سیاه استفاده کند و این تحول می تواند باعث کاهش وابستگی ترکیه به منابع انرژی خارجی شود.

هر چند بر اساس دیدگاه برخی از تحلیلگران، احتمال برخورد نظامی و جنگ بین این دو کشور وجود دارد؛ اما با توجه به مشغول بودن ارتش ترکیه در چندین جبهه از جمله شمال سوریه، لیبی، جنوب شرقی ترکیه، شمال عراق و اوضاع اقتصادی پر فراز و نشیب یونان، چنین امری حتی با وجود دخالت های فرانسه و آمریکا، در مقطع کنونی محال به نظر می رسد.

لاجرم با وجود دوراهی هایی که اتحادیه اروپا در مورد ترکیه با آن مواجه است و مشکلات داخلی یونان که توان مقابله قاطع در برابر ترکیه را از آن سلب می کند، ترکیه در پیشبرد منافع خود بیش از پیش می تازد و به رویای اقتدار تعریف شده خود نزدیک تر می شود.



خداوند ایالت متحده آمریکا را حفظ کند! God Bless The U.S.A

بررسی رویکرد جو بایدن در منطقه جنوب غربی آسیا

کیما محمدزاده

کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه تهران

منطقه جنوب غربی آسیا که به غلط، نسبت به کشورهای غربی خاورمیانه خوانده می‌شود، از جمله مناطقی است که زیر پوتین‌های سربازان آمریکایی به بهانه دموکراسی، آزادی بیشتر، آبادانی، مبارزه با تروریسم و... له می‌شود. حال با تحولات امروزی این منطقه و سیاست خارجی که آمریکا قصد دارد در دوره بایدن اجرا کند؛ به تحلیلی از تحولات امروزی منطقه جنوب غربی آسیا پرداخته خواهد شد. منطقه جنوب غربی آسیا همواره به دلیل تعارضاتی که بین هر یک از واحدهای سیاسی وجود داشته است؛ بیشتر از سایر مناطق مورد دخالت نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... قرار گرفته است. با وجود تلاش‌هایی که کشورهای قدرتمند تر مانند ایران، عربستان و ترکیه برای همگونی و هماهنگی انجام داده‌اند؛ همچنان این بی‌نظمی و برآشفستگی در این منطقه وجود دارد و این کشورها تنها در مقاطع خاصی موفق به تاکید بر اشتراکات و تشکیل ائتلافها و همکاری‌های گوناگون شدند و از این

راه توانستند آرامشی هر چند موقتی به این منطقه ببخشند.

حضور آمریکا در منطقه جنوب غربی آسیا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تغییراتی کرد. پس از این واقعه بود که آمریکا به عراق و افغانستان حمله کرد. و آن ضعف ایدئولوژیکی که در نتیجه پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی، برش سایه انداخته بود، را با مبارزه با تروریست بازتعریف کرد. به بیان دیگر آمریکا موقعیت جهانی هژمونیک خود را وامدار حضور در این منطقه و مقابله با دیگری به نام تروریست‌ها است.

ایالت متحده آمریکا با ایجاد پایگاه‌های نظامی، جنگ‌ها و درگیری‌ها را کنترل می‌کند. با پیمان‌های نظامی و تسلیحاتی منافع خود را پیگیری می‌کند. فروش تسلیحاتی که آمریکا به عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد از این نوع است. در ادامه، تحریک گروهک‌های تروریستی مانند داعش و طالبان را در دستور کار خود قرار می‌دهد. این روش، روشی است که آمریکا برای دورنگه‌داشتن افکار عمومی از استخراج‌های نفتی و منابع معدنی این کشورها اتخاذ می‌کند. از سوی دیگر صلح و مذاکره را راهی برای امنیت خود می‌بیند و در این راه حتی با منفورترین گروه در این منطقه مانند طالبان نیز صلح می‌کند. این اقدامات آمریکا یادآور سخن «پل ولفویتز» از طراحان استراتژی تهاجمی آمریکا است که می‌گوید: «استراتژی اساسی آمریکایی بایستی

بر پایه‌ی جلوگیری از ظهور هر کشور رقیب باشد... برای همیشه»

پذیرش قدرت آمریکا و تاثیرپذیری‌های کشورهای جنوب غربی آسیا از آمریکا به دلایلی مانند اقتصاد برتر، قدرت وتو در صحنه بین‌المللی، قدرت نرم در رسانه و مسائل فرهنگی و اجتماعی و... باعث شده که کشورهای این منطقه به سمت سازش با آمریکا گام بردارند. در این میان با وجود رویکرد توسعه‌طلبانه‌ای که کشوری مثل ترکیه در منطقه دارد و حتی در جایی در مقابل ناتو قرار می‌گیرد، تنها ایران و جبهه مقاومت است که با رویکرد ایستادگی، اثرپذیری خود را از آمریکا به حداقل رسانده‌اند.

در جریان اتفاقاتی که در این منطقه افتاده است. مسائلی مانند پایان جنگ قره‌باغ با دخالت روسیه، ترور دانشمند هسته‌ای ایرانی شهید فخری‌زاده، عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی و از طرف دیگر هزینه‌های ناموفقی که آمریکا در این منطقه بویژه در عراق و افغانستان انجام داده، سبب شده که حضور آمریکا قوت ثابت را نداشته باشد و اگر این فرض که موضع جو بایدن مانند باراک اوباما مبتنی بر سازش و مذاکره است، صحیح باشد؛ محتمل است که حضور و دخالت آمریکا در راستای حفظ موازنه قوایی است که خود تعیین کرده و باید دید که چگونه قدرت‌های دیگر مانند ایران، عربستان و ترکیه را با خود همراه می‌کند.

قدرت هژمونیک آمریکا در منطقه با منافع



اسرائیل پیوند نزدیکی دارد؛ به طوری که هر یک برای قدرت یکدیگر تلاش می‌کنند. اظهارات جو بایدن در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد: زمانی که وی رئیس کمیته روابط خارجه در سنا بود؛ برای اینکه نفوذ و گستره‌ی استراتژی اسرائیل حفظ شود؛ طرح تجزیه عراق را مطرح می‌کند. در این طرح عراق به سه قسمت منطقه کردنشین عراق، منطقه شیعه‌نشین عراق و منطقه سنی‌نشین عراق تقسیم می‌شود. با وجود اینکه این طرح به دلیل نبود شرایط مناسب تاکنون اجرا نشد اما باز هم نظر و ایده کلی جو بایدن برای دخالت در این منطقه را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد حضور آمریکا در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس نیز با چالش روبرو خواهد شد و در این میان می‌توان پذیرش مذاکره توسط ایران را دخیل دانست. کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند عربستان به دلیل اختلافات سیاست منطقه‌ای که با ایران در

پشتیبانی از گروهک‌های تروریستی دارند یکی از چالش‌های منطقه‌ای بایدن خواهد بود. پس باید دید آیا ایران از ضربه‌ای که از برجام خورده، درس می‌گیرد یا تمامی امتیازات منطقه‌ای خود را فدای توافقی دیگری می‌کند.

در نتیجه وقتی صحبت از حضور آمریکا در منطقه می‌آید، این حضور پیشینه‌ی قدرت‌طلبی دارد. پس از جنگ سرد آمریکا به مثابه قدرت هژمونی نیازمند نیرویی بود که در تقابل با آن خود را تعریف کند. مبارزه با تروریسم در منطقه جنوب غربی آسیا قدرتی برای آمریکا پدید آورد تا منافع خود را در این منطقه به دست آورد. این موضوع در زمان جو بایدن تغییراتی خواهد کرد با وجود اینکه این تغییرات با سخنان بشردوستانه همراه خواهد بود؛ اما این به معنی پایان یافتن مشکلات این منطقه مهم نخواهد بود. تا زمانی که جنوب غربی آسیا، خاورمیانه باشد و حیات‌بخش ایالت متحده آمریکا خبری از آرامی و آسایش شنیده نخواهد شد.